

# تأثیر توسعه شبکه‌های اجتماعی بر مسائل ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران

نسیم محمدی کاکرودی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت  
n.mohammadi.kakrodi@gmail.com

یوسف زین العابدین عموقین

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت  
n.zeinolabedin@gmail.com

## چکیده

فضای شبکه‌های اجتماعی، عرصه وسیعی از اطلاعات و نموده‌های مختلف معنایی را ایجاد می‌کند. از آثار فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی را در جوامع به‌خصوص جوامع در حال گذار مانند ایران، ایجاد بحران هویت ملی و دینی می‌باشد. سؤالی که در این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به آن می‌باشیم این است که پیامدهای توسعه شبکه‌های اجتماعی بر مسائل ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ جهت پاسخ به سوال فوق دو فرضیه در نظر گرفته شده است. فرضیه اول: توسعه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مولفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را متحول کند. فرضیه دوم: توسعه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مولفه‌های هویت ملی جمهوری اسلامی ایران را متحول کند. در این تحقیق با هدف: ۱- تحلیل تأثیر توسعه شبکه‌های اجتماعی بر مسایل ژئوپولیتیک ایران. ۲- تبیین مولفه‌های امنیت جمهوری اسلامی ایران. ۳- تبیین مولفه‌های هویت ملی جمهوری اسلامی ایران و به‌دلیل رشد شبکه‌های اجتماعی در ایران و تأثیر تعیین‌کننده‌ای که می‌تواند بر امنیت جمهوری اسلامی ایران داشته باشد از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد. یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است نشان می‌دهد که نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی‌اند. فضای مجازی نوعی از بحران هویت و ناهمگونی‌های هویتی را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به‌وجود آورده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و عوامل معنا‌ساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند.

واژگان کلیدی: ژئوپولیتیک، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و ایران.

## مقدمه

دنیای امروز به دهکده‌ای جهانی بدل شده است که در آن مرزهای جغرافیایی تنها، در چارچوب معادلات دیپلماتیک مورد نظر قرار می‌گیرد و ابزار رسانه، زمینه محدود شدن مرزهای فکری را فراهم آورده است. منظور از رسانه‌های جمعی یا عمومی و به تعبیر دیگر وسایل ارتباط جمعی دسته‌ای از وسایل هستند که مورد توجه تعداد کثیری می‌باشند و از تمدن‌های جدید به وجود آمده‌اند. به بیان دیگر، رسانه به معنای هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. اکنون آن چه مصداق این تعریف است وسایلی همانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، لوح‌های فشرده، شبکه‌های اجتماعی و غیره می‌باشند. بنابراین اگرچه رسانه‌های جمعی با هدف اطلاع‌رسانی به وجود آمدند، هدف تبلیغ سیاسی و سپس تاثیرگذاری فرهنگی به موازات آن وارد عرصه رسانه شد (یاراحمدی، ۱۳۹۱).

رسانه‌های نوین امکان جدیدی برای تعامل بین نیروهای اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد و برخلاف رسانه‌های موج دوم که عمده این رسانه‌ها به صورت ابزاری در اختیار صاحبان قدرت و ثروت بوده و به صورت یک سویه پیام خود را ارسال می‌داشتند و ذهنیت توده‌ها را شکل می‌دادند، رسانه‌های دیجیتال به دلیل ارزانی و در دسترس بودن امکان گفتگوی دوسویه را فراهم می‌آورد. تحول حاصل در ارتباطات و شکل‌گیری رسانه‌های نوین و افزایش توان مبادله اطلاعات در سطح جوامع موجب ظهور بازیگران جدیدی در جهان معاصر شده است. این امر از طرفی کارکرد ابزارهای ارتباطی را که در گذشته ابزاری ساده برای انتقال معانی و پیام بود، پیچیده‌تر نموده و کل حیات انسان را متأثر ساخته و از طرف دیگر بر سایر وجوه مهم زندگی اجتماعی نیز به شدت تاثیر نهاده است به طوری که اکنون می‌بینیم، نظام‌های نوین ارتباطی و رسانه‌های نوین منشأ تحولات عظیم در عرصه قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در جهان شده‌اند و البته با ظهور برخی پیامدهای منفی، برای امنیت و استقلال جوامع انسانی مشکلاتی را نیز به وجود آورده‌اند. به عنوان مثال، اطلاعاتی که اکنون از طریق شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک، تویتر، یوتیوب و غیره) در کنار شبکه‌های ماهواره‌ای و یا امکاناتی همچون تلفن‌های همراه و دیگر اشکال رسانه‌های نوین تولید و ارسال می‌شود کمتر از طرف حکومت‌ها قابل کنترل است. همچنین شهروندانی که توانایی دسترسی به این امکانات را در اختیار دارند، به راحتی می‌توانند اطلاعات روزآمد را از هر گوشه جهان دریافت و در همان حال اطلاعاتی نو تولید کرده و در اختیار مخاطبان خود قرار دهند. رسانه‌های جدید، این‌گونه مرزها را درهم شکسته‌اند و حکومت‌ها نیز اغلب کار چندانی در مقابله با آن نمی‌توانند انجام دهند. از طرف دیگر اطلاع‌رسانی به شیوه جدید سبب شکستن انحصار رسانه‌های داخلی شده و افراد یا مخاطبین را قادر می‌سازد منبع اطلاعاتی خویش را خود تعیین نمایند. به-گونه‌ای که می‌بینیم زمان به نفع تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و به زیان شیوه‌های سنتی و انحصاری اطلاع‌رسانی تغییر یافته است (کرمی، ۱۳۷۶).

خدماتی که شبکه‌های اجتماعی و سیستم‌های اطلاع‌رسانی و در راس آنها اینترنت ارائه می‌دهند به گونه‌ای مفهوم حاکمیت دولت‌ها را به تحلیل کشانده‌اند که دیگر دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. در این فضا مرزهای ژئوپلیتیک به تدریج اهمیت و حساسیت خود را از دست می‌دهند (احمدی، ۱۳۸۴). در واقع، امکانات جدیدی که در سایه تکنولوژی‌های ارتباطی مجازی جدید برای بشر امروزی ایجاد شده است، چالش‌های فراوانی را بر امنیت داخلی کشورها به ویژه ایران اعمال می‌کند در همین راستا، مقاله حاضر در پی بررسی و پاسخ‌گویی به این سؤال است که رشد شبکه‌های مجازی چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟

## ۱-۱- ادبیات تحقیق

راسل نیومن (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر رسانه‌های جدید» که در کتاب سیاست رسانه‌ای شده، ارتباطات در آینده دموکراسی توسط مسعود آریایی نیا ترجمه و در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی منتشر شده است به این امر

می‌پردازد که اگرچه فرضیات مختلفی در رابطه با تأثیر این رسانه مطرح می‌شود اما آنچه مبرهن است این‌که کاهش هزینه‌های اطلاعات سیاسی به میزان مشارکت و توجه افزون‌تر شهروندان بستگی دارد. در مقاله (سلطانی فر، ۱۳۹۰) تبیین تأثیر فناوری‌های ارتباطی بر جریان‌های سیاسی و اقتصادی که در مجله مطالعه فرهنگ-ارتباطات چاپ شده، عنوان می‌کنند که امروزه فناوری‌های ارتباطی با حجم فراوانی زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده‌اند، به‌گونه‌ای که انسان امروز بدون این فناوری‌های جدید نمی‌تواند به زندگی‌اش ادامه دهد. در (قائم، ۱۳۸۰) دنیس مک کوئل یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان حوزه مطالعات ارتباطی و رسانه‌ای، کتاب «درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی» را نوشته که توسط پرویز اجلائی ترجمه و مرکز مطالعات توسعه رسانه‌ها چاپ شده است. وی بیان می‌کند که رابطه رسانه و دولت، جامعه و فرهنگ، شرایط سازمانی تولید و توزیع، تغییرات محتوا، شیوه استفاده مخاطبان، رابطه میان مخاطبان و ارتباط گران و جایگاه کاربرد رسانه‌ها در متن شرایط اجتماعی است. در مقاله (علی‌قلیان، ۱۳۸۰) مانوئل کاستلز کتاب قدرت ارتباطات را توسط دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها با ترجمه محمد آذری نجف آبادی منتشر نمود. او در این کتاب جدید در خصوص نقش شبکه‌های ارتباطی به مطالعه و تحقیق و ارائه نظریه پرداخت و به اهمیت این شبکه‌ها در جریان شکل‌گیری قدرت سیاسی در جامعه تأکید نمود.

## ۲- مفهوم نظام ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک از زمان وضع واژه آن از نظر مفهومی و نیز موقعیت اجتماعی و علمی دچار فراز و نشیب شده و از حالتی شناور در موضوعات مورد اطلاق نیز برخوردار بوده است. این واژه در بین جغرافی دانان، سیاستمداران حرفه‌ای، نظامی‌ها و متخصصین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل رواج داشته و دارد. مفهوم ژئوپلیتیک بیانگر حیطه‌ای از بررسی جغرافیایی است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل‌گیری روابط بین‌الملل مهم تلقی می‌کند. کاربرد فعلی این واژه نباید با واژه ژئوپلیتیک آلمان که شکل خاصی از جبر محیطی بود که برای مشروعیت دادن به اعمال دولت به کار رفت، اشتباه گردد. رودلف کیلن جغرافیدان سوئدی (۱۸۶۴م - ۱۹۲۲م) واژه ژئوپولیتیک را مطرح و معتقد بود «حکومت پنج رکن دارد که به ترتیب عبارتند از: کراتوپلیتیک (مطالعه‌ی وضع حکومتی یک کشور)، دموپلیتیک (مطالعه‌ی جمعیت یک کشور)، اکوپلیتیک (مطالعه‌ی منابع اقتصادی کشور)، سوسیوپلیتیک (مطالعه‌ی وضع اجتماعی کشور) و مهم‌تر از همه ژئوپولیتیک (مطالعه‌ی جغرافیای کشور) است» و «در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۹۷م) فردریک راتزل دانشمند آلمانی (بر اساس تحقیقات رودلف کیلن) جغرافیای سیاسی و مطالعات دانشگاهی ژئوپولیتیک را بنیان نهاد و در کتاب جغرافیای سیاسی خود برای نخستین بار «حکومت» را از دید جغرافیا مورد مطالعه قرار داد (پیروز، ۱۳۸۴). اما مفهوم ژئوپولیتیک با جغرافیای سیاسی تفاوت دارد، چراکه ژئوپولیتیک در طی فرآیند تاریخی با توجه به تغییر انسان‌های مختلف در مقتضیات زمانی و مکانی، ثبات و دوام نداشته است و مفاهیم آن اعتباری‌اند و با مقتضیات زمان و محیط جغرافیایی شکل می‌گیرند، دگرگون می‌شوند و مورد تأیید و گاهی از بین می‌روند. برعکس مفاهیم جغرافیای سیاسی مانند مرز، مهاجرت و غیره مفاهیمی همیشگی و پایه هستند و در طول فرآیند تاریخی دگرگون و از بین نمی‌روند. در (پیروز، ۱۳۷۹) دو مفهوم جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک را به این صورت تعریف کرده است: "جغرافیای سیاسی اثر تصمیم‌گیری‌های سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی هم‌چون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و غیره مطالعه می‌کند، در حالی که ژئوپولیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده جهانی می‌پردازد. اما دقیق‌تر آن است که بگوییم جغرافیای سیاسی با رابطه متقابل جغرافیا و سیاست سر و کار دارد و به این ترتیب، مفهوم ژئوپولیتیک که به نقش عمده‌عامل فضا در شکل‌گیری روابط بین‌الملل معتقد است، جزئی از دانش و علم جغرافیای سیاسی محسوب می‌شود (سلطانی فر، ۱۳۹۰).

## ۲-۱- رویکردهای ژئوپلیتیک

جهان ژئوپلیتیک در سرآغاز قرن بیست و یکم، بی‌تردید، وارد دوران تازه‌ای با ویژگی‌های ژئوپلیتیک تازه می‌شود که شاید نویددهنده‌ی فرا آمدن دوران «پست مدرن» باشد. آغاز دگرگونی در نظام جهانی قرن بیستم توأم با نشانه‌هایی از پایان گرفتن دوران مدرن است. فرآیندهای جهانی شدن، منطقه‌گرایی و تجزیه ژئوپلیتیکی به صورت چالش‌های نوین برای ژئوپلیتیک

ظاهر شده اند. برتری حکومت ملی (در پیوستگی با سیستم بین المللی) به چالش کشیده شده و نقش و کارکرد دولت ها به عنوان نهادها و الگوهای دولتی به دنبال یک سلسله توسعه ها متحول شده است. رشد سازمان ها، آژانس ها و شرکت های چند ملیتی توانایی دولت را برای تنظیم و تصویب قوانین به چالش کشانده است. نخبگان دولتی و مدیران اقتصادی مجبور به اجرای برنامه هایی شده اند که با نیازهای بازارهای پولی بین المللی، تعهدات بین المللی و جریان سرمایه سازگار باشد (سیدعباس، ۱۳۸۴). بنابراین، مباحث ژئوپلیتیک در دوران نوین در پرتو سه چالش اصلی تغییر شکل می دهد: نخست «جهانی شدن های اقتصادی»، دوم «انقلاب اطلاع رسانی» و سوم «خطرات امنیتی جامعه جهانی» اثرگذاری این عوامل در نقش آفرینی سیاسی انسان در محیط جهانی شکل گیرنده در بستر مدرنیته پیشرفته، شرایطی را فراهم آورده که مطالعه آن می تواند «ژئوپلیتیک پست مدرن» نام گیرد. این شرایط نقش گروهی انسان ها در محیط سیاسی را از محدوده «ملت» بودن فراتر می برد و توجه اصلی را به شکل-گیری های سیاسی در محیط فراملتی راهبری می کند، اگرچه «ملت بودن» و «حکومت ملتی» همچنان، به عنوان یگان های سیاسی پراهمیت و نقش آفرین در ژئوپلیتیک جهانی اثر گذار خواهند (پیروز، ۱۳۷۹). در ژئوپلیتیک جدید با توجه به آن که ساختار جدیدی از قدرت و سلسله مراتب آن به وجود آمده است، تحولات به وجود آمده در ساختار قدرت جهان به زبان ابزار و اهرم نظامی و به سود عوامل اقتصادی و دانش فنی تغییر کرده است. ذکر این نکته ضروری است که در ژئوپلیتیک جدید نیز، قدرت نظامی در سلسله مراتب تشکیل دهنده قدرت، مؤلفه ای مهم به شمار می آید، لیکن نقش آن در مقابل قدرت اقتصادی در درجه دوم اهمیت واقع شده است. یک تباین ساده ای که بین ژئوپلیتیک جدید و قدیم و به عبارتی سنتی و معاصر وجود دارد این است که به عنوان ابزار درک عدم تجانس گفتمان های ژئوپلیتیکی در گذشته و حال ناکافی است (میر حیدر، ۱۳۵۸).

### ۳- تعریف امنیت ملی

امنیت ملی یک مفهوم غربی و خصوصاً آمریکایی است که در سال های پس از ۱۹۴۵ رواج یافت. در مورد امنیت ملی تعاریف مختلفی ارائه شده است. این مفهوم مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی، دارای تعریفی واحد و مقبول تمامی یا حداقل بیشتر صاحب نظران نمی باشد. ریشه آن عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می گردد. بری بوزان هم می گوید: "امنیت ملی را نمی توان به طور کلی تعریف کرد بلکه تنها در موارد مشخص می توان آن را تعریف نمود". او در جای دیگری چنین می گوید: "امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و از نظر تعریف مبهم ولی از نظر سیاسی مفهومی قدرتمند باقی مانده است چون مفهوم نامشخص امنیت ملی راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می گذارد". سازمان ملل متحد طی پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت» آن را چنین تعریف می نماید: "این که کشورها هیچ گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند" (حاکم، ۱۳۷۲).

در فرهنگ علوم سیاسی نیز چنین آمده است: "امنیت ملی عبارت از احساس آزادی کشور در تعقیب هدف های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور می باشد" (علی قلیان، ۱۳۸۰). در فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل این مفهوم بدین صورت تعریف شده است: "حالتی که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر می برد" (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷).

والتر لیپمن محقق و نویسنده آمریکایی نخستین کسی بود که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد» (جلیل، ۱۳۷۴). این واژه در قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است. در ساده ترین تعاریف، امنیت ملی این گونه تعریف می شود: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و این که کشورها چگونه سیاست ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی، اتخاذ می کنند. محمد ایوب معتقد است که مفهوم سنتی امنیت ملی کاربرد خود را از دست داده است. وی بر عوامل داخلی امنیت عنایت خاصی داشته و بر تفاوت معضلات و نگرش امنیتی کشورهای شمال و جنوب تاکید می کند و معتقد است که

تفسیر شمالی ها از امنیت به نحوی است که ناامنی جنوبی ها از آن متبادر می شود و برعکس (پیروز، ۱۳۷۹). بر خلاف قدرت ملی که برخی از فرصت های ملی و کسب امنیت را به ذهن متبادر می سازد، مبحث تهدیدها و آسیب پذیری های ملی، فقدان امنیت و ناامنی را در ملاحظات امنیت ملی یک کشور، مورد توجه قرار می دهد. جداسازی تاثیرات ملی از تهدیدها و یا آسیب پذیری های ملی کاری دشوار و حتی ناممکن می باشد. در واقع ترکیب این دو موضوع، سطح امنیت و ناامنی ملی را مشخص می سازد. آسیب پذیری وجه داخلی ناامنی و تهدیدها وجه خارجی آن است. بنابراین هرچه دولت با توجه به عوامل تاثیر گذار فراوان داخلی ضعیف تر باشد، در نتیجه از آسیب پذیری بیشتری برخوردار است. این مساله در افزایش تهدیدها علیه آن دولت نیز کاملاً تاثیر مستقیم دارد. در واقع آسیبی پذیری ممتد داخلی در نتیجه ضعف های درونی، موجب افزایش کیفیت و کمیت تهدیدهای بیرونی نیز می گردد. تعامل بیش از اندازه آسیب پذیری های درونی با تهدیدهای بیرونی در دولت های ضعیف به جایی خواهد رسید که عملاً نمی توان مرز چندان دقیقی میان دو حوزه آسیب پذیری ها و تهدیدها قائل شد. ضمن این که این تعامل باعث می گردد بسیاری از آسیب پذیری ها تبدیل به تهدیدهای ملی گردند؛ ولی توانمندی ملی و برخورداری از یک دولت قوی باعث می گردد، بسیاری از آسیب پذیری ها از فرصت کمی برای نمود یافتن برخوردار شوند و از سوی دیگر تهدیدهای بیرونی نیز تا حدود زیادی با توجه به قدرت درونی مورد جذب و هضم قرار گیرند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷).

### ۳-۱- جهانی شدن و امنیت ملی

در پرتو دیدگاه های اقتصادی که استنلی هافمن امنیت ملی را پشتیبانی یک ملت از یورش فیزیکی و محفوظ داشتن فعالیت های اقتصادی آن از جریانات ویران کننده بیونی تعریف می کند با آغاز امواج وابستگی دوسویه اقتصادی و گشوده شدن مرزهای ملی بازیگران پهنه بین المللی و دگرگون شدن ماهیت پیوندهای بین المللی آنها که شماری از آن به نام امواج جهانی شدن یاد می کنند در برداشت از امنیت ملی نیز دگرپاشی های شگرفی پدید آمد. توسعه اقتصادی که زمانی تنها راهبرد رهائی از دشواری های دستیابی به امنیت پیش روی انسان سده ۲۰ به شمار می آمد خود به پیدایش ناامنی های بی شماری در زمینه زیست محیطی- اجتماعی- رفتاری- سیاسی و اقتصادی پایان گرفت که تلاش برای چیرگی بر آن ها هم اکنون رسالتی جهانی در پاسداری از امنیت شمرده می شود (خلقتی، ۱۳۸۷).

پیوند میان امنیت و جهانی شدن یا به دلیل نو و تازه بودن پدیده جهانی شدن و یا به دلیل پیچیدگی و ناروشنی که هنوز در برداشت از امنیت هست به روشنی دیده نمی شود جهانی شدن با رویه گوناگون خود و پیامدهای گسترده ای که در داد و ستدهای بشری تا به امروز داشته است، معنای ویژه ای از امنیت را در بر می گیرد که برخی از اندیشمندان این حوزه آن را به ناامنی برای بسیاری از بازیگران سیاسی حاضر در ترازمندی های سیاسی بین المللی بازشناسی می کنند. چنین ناامنی هایی به دلیل کاستی های ساختاری در سامانه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای جهان سوم بیشتر برای این دسته از کشورها پدید می آید. پس به راستی ناامنی جهانی یکی از رویه های جهانی شدن نیست. بلکه برداشت ویژه ای از ماهیت جهانی شدن است (گل محمدی، ۱۳۸۰). آن برای توضیحی است که از اجزای جمله محسوب نشده و در صورت حذف خللی به آن وارد نمی شود. در مقابل، گیومه برای برجسته کردن جزیی از جمله بکار می رود. نخستین نمود جهانی شدن در پیوند میان دولت ها و رفتار کشورها جلوگیری از جنگ است. جهانی شدن به طور کلی امنیت خرسند کننده ای را در زندگی اجتماعی فراهم نکرده است، زیرا دگردیسی برداشت امنیت از مفهوم تنها نظامی به انگاشتی که آمیخته ای از مسائل اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی در کار بوده است با کاهش تهدیدات نظامی خارجی که با وابستگی دوسویه بازیگران بین المللی ایجاد شده همواره امنیت ملی کشورهای جهان افزایش نمی یابد و وابستگی دوسویه جهانی گرایش به جنگ را کاهش داده است. همزمان با پیشرفت فناوری توانای های نابود کننده جنگ را افزایش داده است. دسترسی جهانی دست اندازی های نظامی کشورهای شمال را در جنوب آسان کرده است. بازارهای تسلیحات جهانی امکانات نابود سازی فراوانی را به وجود آورده اند که یکی از پیامدهای آن خشونت در بافت احیای قومی و مذهبی را تقویت کرده است. فناوری های جهانی شدن امکانات بهتری را برای بازرسی های زیست محیطی فراهم آورده است. در زمینه سرمایه داری نیز جهانی شدن در افزایش آسایش در کشورهای تازه صنعتی شده نقش داشته است. تنها اشاره اندکی از کشورها به جایگاه کشورهای تازه صنعتی شده دست یافته اند. بازسازی

اقتصادی در رویارویی با جهانی شدن بیشتر ناداری را افزایش داده است. بحران بدهی-های کشورهای جنوب تلاش برای کاهش ناداری را به خطر انداخته و شیوه بازرگانی جهانی امروز پیامد زیان بخشی بر کشورهای فقیر داشته است (یاراحمدی، ۱۳۹۱).

پاسخ دولت ها به تغییرات اجتماعی جهانی در سراسر جهان یکسان نیست. در برخی مناطق، دولت ها نسبت به مناطق دیگر به نقش امنیت ملی سنتی اهمیت بیشتری می‌دهند. برخلاف تحولات فزاینده در مناطقی هم چون آمریکای لاتین، نقش امنیتی دولت ها در مناطقی مانند آسیای شرقی و جنوبی، آفریقا و خاورمیانه چندان دچار کاهش نشده است. در حقیقت، در برخی از این مناطق، حتی در میان دولت های دارای اقتصاد آزاد (مثل هند) و دولت هایی که برنامه‌های امنیتی منطقه‌ای پیش گرفته‌اند (مثل اندونزی)، نقش امنیتی خصوصاً در حوزه امنیت داخلی شدت یافته است. این امر نشان می‌دهد که دولت دارای اقتصاد جهانی، نمی‌تواند از رقابت امنیتی مصون بماند. در این جا لازم است میان رفتار اقتصادی و امنیتی تمایز قائل شد. دولت هایی که همسایگانی ناآرام دارند و دولت هایی که نگران موقعیت قدرت نسبی خود هستند، نسبت به امنیت نظامی سنتی توجه بیشتری مبذول می‌کنند (حاکم، ۱۳۷۲).

#### ۴- مفهوم هویت ملی

«هویت» در اصطلاح، آن چیزی است که در پاسخ از چیستی و کیستی شیء و فرد یا اشیاء و افراد ذکر می‌شود. در نتیجه، هم‌چنان که اختصاص به اشیاء یا انسان‌ها ندارد، استعمال آن منحصر در جمع و گروه نبوده، دربارهٔ یک شیء و فرد نیز به کار گرفته می‌شود. هویت، آن دسته از ویژگی‌های اصلی را که متمایز کننده شیء یا فرد از غیر خود است، مشخص می‌سازد، این مسئله بیانگر اهمیت وجود «غیر» هنگام تبیین هویت می‌باشد. گرچه هر وجودی، فارغ از مقایسه آن با غیر، دارای مشخصات و ویژگی‌هایی است. اما هنگام بیان مشخصات، هرچند به صورت ناآگاهانه، با غیرسنجیده می‌شود. بنابراین «هویت ملی» را می‌توان به «مجموعه مشخصات و ویژگی‌های افراد یک ملت، که به گونه‌ای حلقهٔ ارتباطی میان هویت‌های محلی و هویت‌های فراملی به‌شمار رفته و تشخیص دهنده و متمایز کنندهٔ آن از افراد دیگر ملت‌ها می‌شود» تفسیر نمود. به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که در اکثر افراد هر ملت مانند ایران وجود دارد و افراد دیگر ملت‌ها فاقد آن هستند، بخشی از هویت آنها را شکل می‌دهد که هویت ملی افراد آن ملت تعبیر شده و به‌عنوان نمونه گفته می‌شود: «هویت ملی ایرانیان» (گل محمدی، ۱۳۸۰).

#### ۴-۱- هویت مجازی

در گذشته هویت افراد و روابط شان با دیگران وابسته به فضای مادی‌ای بود که در آن زندگی می‌کردند و مکان عنصری تعیین کننده بود. اما در حال حاضر به واسطه ظهور تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، محدودیت‌های زمان و مکان از بین رفته و فرد دیگر به مکان محلی و بومی خود وابسته نیست، بلکه می‌تواند مرزهای جغرافیایی را طی کند و با جهان بزرگ‌تری در ارتباط باشد (تاجیک، ۱۳۷۹). در بسیاری از متون علمی از مفهومی به نام «بی‌نامی» در محیط سایبر صحبت شده است که دقیقاً مترادف مفهوم هویت مجازی است. در این جا برای روشن‌تر شدن مفهوم هویت مجازی به معناشناسی بی‌نامی و تفاوت آن با سایر واژه‌های نزدیک مثل: گمنامی، ناشناس بودن و منزوی بودن می‌پردازیم. مفهوم بی‌نامی، روابط اجتماعی گویا و روشن را به عنوان زمینه و پیش فرض با خود دارد. بی‌نامی نیاز به زمینه اجتماعی دارد. فاعل بی‌نام که ظرفیت انجام کاری را دارد، رویه دیگر اعضای اجتماع تأثیر می‌گذارد و از دیگران متأثر می‌شود. ممکن است به شخص منزوی و گوشه‌نشین عبارت بی‌نام و نشان و ناشناخته و گمنام اطلاق می‌شود؛ ولی معنای دقیق بی‌نامی و هویت مجازی، مطابق آنچه در شبکه اینترنت و در فضای سایبر مطرح می‌شود، شامل حال او نمی‌شود و به او بی‌نام گفته نمی‌شود؛ زیرا شخص گوشه‌نشین و منزوی، غیر مرتبط با جامعه است و منزوی و جدا از اجتماع و روابط اجتماعی است و زندگی و رفتار و کارهای او به طور کلی تحت تأثیر زندگی و رفتار دیگران در محیط اجتماعی قرار نمی‌گیرد. اصطلاح گمنامی که در برابر شهرت و بلندنامی قرار می‌گیرد نیز نمی‌تواند با اصطلاح بی‌نامی مترادف باشد. شخص گمنام به دنبال شهرت نیست و سعی می‌کند در میان اجتماع شهرت پیدا نکند و عموم او را نشناسند. شخص گمنام از اجتماع و روابط اجتماعی فاصله نمی‌گیرد، اما

به دنبال معروفیت هم نیست و کاری که او را معروف کند، انجام نمی‌دهد؛ اما هویت‌های مجازی که مشهور هستند کم نیستند. از این‌رو، یک شخص بی‌نام ممکن است با نام مستعار در جهت شهرت تلاش کند و مشهور شود. برای یک نفر بسیار مشکل است که به طور کامل از اجتماع منزوی شود؛ به طوری که کارها و هویتش پنهان باشد؛ ولی امکان‌پذیر است. اما در همه موارد گوشه‌نشینی و جدا شدن از اجتماع لزوماً مشابه و شبیه بی‌نامی نیست؛ هرچند ممکن است به معنی رسیدن به بی‌نامی باشد. البته گوشه‌نشینی و جدا شدن از اجتماع مکانیزمی است که می‌تواند منجر به بی‌نامی شود و مطمئن شویم به بی‌نامی رسیده‌ایم؛ اما لزوماً به معنای بی‌نامی نیست (مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۸).

بی‌نامی با شناخته شدن و ناشناس بودن تفاوت دارد. بی‌نامی نه تنها زمینه اجتماعی می‌خواهد و در ارتباط اجتماعی رخ می‌دهد، بلکه نیاز به فاعلی دارد که انجام دهنده کاری است که روی دیگران تأثیر می‌گذارد یا تأثیر می‌پذیرد و در عین حال هویت او مشخص نیست. اگر یک فرد برای دیگران قابل شناخته شدن نباشد و ناشناس باشد و در عین حال کاری و عملی نیز منتسب به او نباشد، او بی‌نام نیست. بی‌نامی یا ویژگی‌های غیر قابل ردیابی بدین معنا است که یک شخص یا اشخاص غیر قابل شناخت هستند و هویت آنها مشخص نیست؛ در حالی که می‌دانیم شخص یا اشخاص وجود دارند؛ اما نمی‌دانیم چه کسانی هستند؛ اعمال و ویژگی‌هایی از شخص یا اشخاصی که می‌دانیم وجود دارند، اما به وسیله ویژگی‌ها و خصوصیاتشان قابل ردیابی و شناخته شدن نیستند.

بی‌نامی به معنای عدم شناخته شدن و هویت مجازی و عدم هویت از لحاظ دیگران به وسیله صفات و ویژگی‌هایی است که توانایی ردیابی آنها به وسیله صفات دانسته و شناخته شده شخص وجود نداشته باشد و شخص را نتوان از طریق آن‌ها شناخت. بی‌نامی در واقع نوعی شناخته نشدن و بی‌هویتی به وسیله ویژگی و صفت عدم ردیابی صفات است. این تعریف عمومی از بی‌نامی است که تمام انواع مختلف بی‌نامی را دربرمی‌گیرد (مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۸).

## ۵- تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و بررسی فرضیه به روش اثباتی صورت می‌گیرد. در صددیم ابتدا به توصیف داده‌های گردآوری شده به پردازیم و سپس فرضیه مورد نظر را به روش تحلیلی مورد تأیید قرار دهیم. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد و همچنین تلاش شده از سایت‌های اینترنتی و تخصصی مرتبط با موضوع نیز به‌عنوان مکمل بهره گرفته شود همچنین روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی است. لازم به ذکر بوده که موضوع مورد تحقیق فاقد جامعه آماری می‌باشد.

### ۵-۱- متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: شبکه‌های مجازی.

متغیر وابسته: شکاف بین مردم و دین، عرفی کردن فضای اجتماعی، ترویج ارزش‌های غربی مغایر با ارزش‌های اسلامی، الگوسازی‌های غیرارزشی، رواج فردگرایی.

### ۵-۲- قلمرو تحقیق

حوزه تحقیق حاضر به سه بخش تقسیم شده است که عبارتند از:

- ۱- قلمرو زمانی: قلمرو زمانی بعد از انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون می‌باشد.
- ۲- قلمرو مکانی: قلمرو مکانی این تحقیق شامل جمهوری اسلامی ایران است که منظور از آن منطقه جغرافیایی و فضای سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. از این نظر که ما به همه‌ی مناطق جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانیم به طور همزمان دسترسی داشته باشیم محدودیت‌هایی به قلمرو مکانی این تحقیق وارد است.
- ۳- قلمرو موضوعی: ژئوپلیتیک و توسعه شبکه‌های اجتماعی.

## ۶- یافته ها

فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی همانند شبکه های اجتماعی در ایران موجب می شود تا اجتماعات و هویت های جدیدی تشکیل شود. در جامعه ای که به ارتباطات مبتنی بر صنعت چاپ، تلویزیون و تلفن متکی است، شیوه تولید به گونه ای است که هویت ها را به صورت عاقل، سودمند و خود بسنده در می آورد. اما در جامعه اطلاعاتی، جامعه ای که ارتباطات الکترونیک سیطره دارد ذهنیت ها و هویت های ناپایدار، چند لایه و پراکنده ظهور می کند. وسایل نوین اطلاعاتی و ارتباطی در اثر تغییراتی که در برداشت های بشر امروزی به وجود می آورند، هویت ها را در وضعیت کاملاً تازه ای قرار می دهند که متفاوت و حتی مغایر با گذشته است. هویت در اجتماعات مجازی جامعه اطلاعاتی در مسیر فراملیتی شدن حرکت می کند. در واقع ارتباطی که با اتکاء به وسایل ارتباطی و اطلاعاتی جدید شکل می گیرد، چشم اندازی از فهم و درک جدیدی از ذهنیت را آشکار می سازد که در صورت بندی های گفتار و عملکرد که به لحاظ تاریخی محسوس اند، جان می گیرد. از طرفی در بررسی بحران هویت ناشی از فضای مجازی شبکه های اجتماعی در ایران، نمی توان بحران های هویتی ناشی از دوران گذار جامعه ایران را نادیده گرفت. جامعه امروز ایران در عین حال که بحران های هویت ناشی از یک دوره تاریخی را با خود حمل می کند، در سه دهه اخیر با بحران های دوره تاریخی فرا صنعتی بدون آن که به طور طبیعی وارد این دوره شده باشد نیز روبه رو شده است. باتوجه به خاصیت و کارکردهای فناوری های نوین ارتباطی به خصوص شبکه های اجتماعی، ورود آثار کنترل ناپذیر و بحران زای این دوره از سوی حاکمیت به سهولت صورت گرفته و عواقب ناشی از آن وارد جامعه امروز شده است (تاجیک، ۱۳۷۹).

بنابراین در این بخش دو سوال مطرح می گردد:

۱- نقش توسعه شبکه های اجتماعی در مولفه امنیت ملی ایران: توسعه شبکه های اجتماعی می تواند مولفه های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را متحول کند. رشد شبکه های مجازی، امنیت ملی ایران را با چالش هایی چون شکاف بین مردم و دین، عرفی کردن فضای اجتماعی، ترویج ارزش های غربی مغایر با ارزش های اسلامی، الگوسازی های غیرارزشی، رواج فردگرایی و غیره مواجه می کند.

در راستای اطلاعاتی که در بررسی فرضیه مورد نظر طی فصول تحقیق به دست آوردیم فرضیه این تحقیق اثبات می شود، زیرا پیشرفت در فناوری اطلاعات راه و روش انسان را در ثبت و ضبط تاریخ تغییر داده است، این تغییر بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر نیز تاثیرگذار بوده است. یکی از اتفاقات مهم در پایان هزاره دوم، ظهور فناوری های ارتباطی است که برجسته ترین آن اینترنت و شبکه های اجتماعی است. اینترنت و شبکه های اجتماعی، اصلی ترین عوامل تشکیل دهنده فضای مجازی، شناخته می شوند. شبکه های اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین این ابزارها، با قابلیت ها و امکانات خود تاثیرات عمیقی بر جنبه های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده اند. استفاده جوانان ایرانی از شبکه های اجتماعی مجازی رو به گسترش می باشد و به طور گریز ناپذیری، جوانان، پرجمعیت ترین و پر تعدادترین گروه نسلی ایران، در مواجهه با اینترنت و متأثر از فضای مجازی هستند. وابستگی متقابل دو جهان مجازی و واقعی باعث تعاملات فردی و اجتماعی در قلمروهای زیادی شده است. آن چنان که گفتیم، هویت در درون هر جامعه ای از عوامل ثبات و همبستگی است و هویت با ابعاد مختلف شخصی، اجتماعی، ملی و دینی، هر یک تاثیرات زیادی در دوام و بقا و استمرار جامعه دارند. علاوه بر این فضای مجازی شبکه های اجتماعی اینترنتی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده ای از جوانان به وجود آورده است. بحران هویت در زمینه های فردی ناهمگونی های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است.

تغییرات اجتماعی با زمینه های ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی در کنار تغییرات ناشی از آثار معناساز مطرح شده در فضای مجازی شبکه های اجتماعی، وضعیتی قابل تأمل از بحران هویت اجتماعی پدید آورده است. یکی از بحران های فردی و اجتماعی دیگر خودپنداری ناشی از تعامل کاربران با شبکه های اجتماعی بوده و «امپاتی» در چنین شرایطی همانند یک سندروم اجتماعی، بحران های هویتی را دامن می زند و این امر زمینه ساز بسیاری از تعارضات سیاسی خواهد شد (گل محمدی، ۱۳۸۰).



می‌توان گفت پیشرفت‌های فناوری و ظهور شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت و ماهواره‌های مخابراتی باعث شده است که جهانی شدن با سرعت و به نمونه‌هایی متنوع‌تر بر زندگی جوامع انسانی تاثیر بگذارد و با در نوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی امکان ارتباط سریع بین افراد جوامع و نظام را فراهم نماید (میر حیدر، ۱۳۵۸).

از ویژگی‌های اصلی جهانی شدن کوچک شدن فاصله‌ها و فشردگی در مفهوم زمان و مکان بود و شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای رسانه‌ای در عصر رسانه‌های نوین کمک کرد تا این مفهوم هرچه بیشتر نهادینه شود. همچنین در عصر جهانی شدن جهان به سمتی رفت که مفهوم دولت، حاکمیت و مرزهای جغرافیایی معنای سنتی خود را از دست دادند و تلاش شد تا این مفهوم القا شود که جهانیان در دهکده‌ای کوچک به نام جهان زیست می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی در تحقق این رویا بسیار مفید بوده و هستند. همچنین شبکه‌های اجتماعی با تمرکززدایی از قدرت از طریق گسترش تعامل آگاهانه شهروندان باهم و با سازمان‌های دولتی یا مردم نهاد باعث شدند تا چرخ‌های جهانی شدن هرچه سریعتر به حرکت درآیند و دنیا هرچه بیشتر طعم انحصارزدایی از دولت‌ها را بچشد. این چنین در عصر حاضر و با گسترش امکانات جدید رسانه‌ای، سیاستمداران مجبور هستند صادق‌تر باشند (پیروز، ۱۳۸۴).

همچنین جنبش‌های اجتماعی جدید و متنوعی هم که در جهان شکل می‌گیرد و هدف اکثر آنها کوششی هماهنگ و متمرکز برای نیل به هدف یا اهدافی مشترک است، به نوعی متأثر از شبکه‌های اجتماعی هستند. این جنبش‌های جدید، شکلی از فعالیت مدنی و سیاسی محسوب می‌شوند که با رویکردی عمدتاً عقلانی در حال گسترش و یا نمو هستند. لذا می‌توان پذیرفت ظهور شبکه‌های اجتماعی در ادامه فرآیند جهانی شدن و گویی همزاد با آن است و این دو شاید دو روی مختلف یک سکه باشند که هر کدام بدون حضور دیگری تا حد زیادی ناقص و در راستای اهداف شکلی و محتوایی خود ناکامل هستند. رسانه‌ها که در ابتدا به عنوان ابزاری ساده برای انتقال معانی مطرح بودند، بدان جا رسیدند که در عصر حاضر با تأسیس شاهره‌های اطلاعاتی، کل حیات انسان را متحول ساخته‌اند و معانی تازه‌ای را از زندگی پدید آورده‌اند. این تحول ارتباطات و توسعه فن‌آوری اطلاعات، منشأ تحولات عظیمی در عرصه قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در جهان و ایران گردید. تقارن این رویداد با ظهور پیامدهای منفی نظام سرمایه‌داری و ورود بازیگران جدید به عنوان صاحبان قدرت و سائل ارتباطاتی نوین مشکلاتی را برای امنیت و استقلال انسانی به وجود آورده است که می‌توان آن را به عنوان چالشی جدی امنیتی فراروی جامعه ایران نام برد. بنابراین رشد شبکه‌های مجازی، امنیت ملی ایران را با چالش‌هایی چون شکاف بین مردم و دین، عرفی کردن فضای اجتماعی، ترویج ارزش‌های غربی مغایر با ارزش‌های اسلامی، الگوسازی‌های غیرارزشی، رواج فردگرایی و غیره مواجه می‌کند. بنابراین فرضیه‌ی مورد نظر مورد تثبیت قرار می‌گیرد (حاکم، ۱۳۷۲).

امکانات جدیدی که در سایه تکنولوژی‌های ارتباطی مجازی جدید برای بشر امروزی ایجاد شده است، امنیت داخلی و ملی ایران را متحول نموده و چالش‌های فراوان و شدید را بر آن تحمیل می‌کند که از آن جمله می‌توان به امکان ایجاد و گسترش شکاف میان مردم و دین، عرفی کردن فضای اجتماعی و سیاسی، ترویج پاره‌ای از ارزش‌ها و مفاهیم غربی مغایر با ارزش‌های اسلامی، اطلاع‌رسانی غیرقابل کنترل، تضعیف زبان، رواج فردگرایی و انزواطلبی اشاره کرد.

۲- نقش توسعه شبکه‌های اجتماعی در مولفه‌های هویت ملی ایران: توسعه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مولفه‌های هویت ملی جمهوری اسلامی ایران را متحول کند. به نظر می‌رسد با توجه به فرایند جهانی‌شدن و مواجه شدن نسل متراکم جوان ایرانی با شبکه‌های اجتماعی، ضروری است عواقب این مواجهه در ایجاد بحران‌های هویتی بررسی شود. شبکه‌های اجتماعی با شبکه‌های اجتماعی پیشین، تفاوت‌هایی عمده‌ای دارد از جمله اینکه افراد در این شبکه‌ها، جدای از هنجارهایی که در جامعه وجود دارد حضور می‌یابند. افراد می‌توانند و بیشتر هم این را ترجیح می‌دهند که با هویتی جدید و مجهول متناسب با سلیقه‌ی خود و به دور از هویت واقعی و ضعف‌ها و توانایی‌هایی که دارند؛ به تعامل با دیگر اعضای شبکه بپردازند و این امر گاه آنقدر دلپذیرتر به نظر می‌رسد که افراد با کاستن از تعاملات اجتماعی در دنیای واقعی، ترجیح می‌دهند که وقت بیشتری را در این شبکه‌های مجازی بگذرانند و این امر تبعاتی را در پی دارد. برای مثال، گاه‌ها باعث انزوا و افسردگی بیشتر فرد می‌گردد (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵).

همچنین از جمله ی دیگر معایب شبکه های مجازی می توان به تحول ارزش های رایج در جامعه واقعی، بحران هویت در بین نوجوانان و جوانان، اعتیاد به حضور دائم در این شبکه ها و به عبارتی وقت تلف کردن، جایگزین ساختن ارتباطات با دیگر اعضای شبکه به جایی ارتباطات خانوادگی (که در دراز مدت باعث تضعیف بنیان خانواده و کم رنگ شدن ارزش های خانوادگی و اجتماعی شده) و غیره اشاره کرد. همان گونه که اشاره شد جامعه ایران به لحاظ قراردادن در دوره تاریخی خاص، از جنبه های «گذار» امروزه علاوه بر بحران هویت دوره تاریخی صنعتی، بحران های هویتی دوره پسا صنعتی و فضای مجازی را نیز تجربه می کند. مسائل هویت های قومی هر چند محسوس نیست، در فضای مجازی تحولات خاص خود را دارد. در حال حاضر با توجه به رشد فزاینده شبکه های اجتماعی، برنامه ریزی برای منابع هویت ساز جدید با توجه به فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در برنامه ریزی های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی الزامی است.

با نگرش ژئوپلیتیکی به جهان و ایران، روش های مختلف شکل گیری، افزایش قدرت و کانون های اصلی آن را می توان توضیح داد. یکی از دیدگاه های ژئوپلیتیکی، بررسی اطلاعات و نقش فن آوری ارتباطات و شبکه های اجتماعی در شکل گیری قدرت است (احمدی، ۱۳۸۴). امپریالیسم فرهنگی و قدرت ها و کانون های بزرگ رسانه ای و ارتباطی برای دسترسی به اهداف خود روش های مختلفی را به کار می گیرند، که نمونه های آن را می توان در مورد انقلاب اسلامی ایران، چگونگی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مقابله با نهضت های آزادی بخش در سراسر جهان و بهره گیری از قدرت رسانه در انقلاب های رنگی و براندازی های نرم نام برد. ما در سال ۲۰۰۰ شاهد ادغام های غیر قابل تصور و گیج کننده رسانه ها و تشکیل قدرت های بزرگ رسانه ای چند وجهی جهان بودیم. این رسانه ها با قدرت مالی نامحدود خود به یک پدیده فراگیر جهانی تبدیل شده و نقش جدی و مستقیمی در شکل گیری افکار عمومی بر عهده دارند.

بنابراین هویت ایرانی و اسلامی ما به خاطر خاصیت ارزشی و فرهنگی خود همواره به وسیله کالاها و یا صنایع فرهنگی مورد حمله فرهنگی غرب بوده است که با حادث شدن اینترنت و تب اجتماعی گرایی در فضای مجازی، این دغدغه حاصل افزایش یافته است. بنابراین فرضیه ی مورد نظر مورد تثبت قرار می گیرد و در این راستا از تأثیرات شبکه های اجتماعی بر مؤلفه های هویت ملی جمهوری اسلامی ایران می توان به تبلیغات ضد دینی، نقض حریم خصوصی افراد، انزوا و دور ماندن از محیط های واقعی اجتماع و انحرافات رفتاری اشاره کرد.

## ۷- نتیجه گیری

بنابراین نباید در کنار این معایب که برشمرده شده از محاسن این قبیل شبکه ها از جمله آسان شدن ارتباطات، دسترسی و تبادل اطلاعات در زمینه های مختلف، هم افزایی و شکل گیری خرد جمعی و غیره غافل ماند. بنابراین از آنجایی که ما بدون اینکه انتخابی داشته باشیم، شاهد هستیم که بخش قابل توجهی از افراد جامعه در معرض این نوع شبکه ها قرار گرفته و آمارهای منتشر شده در این زمینه نیز حکایت از رشد روز افزون این شبکه ها در بین جامعه ی ایرانی دارد.

بنابراین شایسته است که در این زمینه آسیب شناسی جدی صورت پذیرد و متناسب با آن، سیاست گذاری و موضع گیری مناسبی اتخاذ شود و برنامه ریزی درست و منطقی صورت پذیرد. همچنین نباید از یاد ببریم که به گفته ی بسیاری از جامعه شناسان، زمانی که در جامعه واقعی فرصت بیان اظهارات و انتقادات به هر چیزی، در هیچ شکلی وجود نداشته یا حداقل کمتر وجود داشته باشد و همچنین از سویی دیگر، فرصت هایی که برای تخلیه ی هیجانات لازم است محدودیت زیادی داشته باشد؛ شبکه های اجتماعی محلی برای گسترش ایده های افراد به ویژه جوانان و نوجوانان آنها و کشاندن این ایده های بعضاً مجرمانه به دنیای واقعی می شود. در کشور ما نیز عضویت در بسیاری از شبکه های اجتماعی اینترنتی با محدودیت مواجه است و به عنوان یک جرم تلقی می شود که این راه حل مناسبی به نظر نمی رسد، بلکه به وجود آوردن امکان حضور گسترده تر اعضای جامعه و حضور مقتدرانه تر جهت ترویج ارزش ها و هنجارهای مورد قبول اکثریت جامعه و متناسب با فرهنگ و تمدن جامعه راهی منطقی تر به نظر می رسد (پیروز، ۱۳۷۹).

راهکارهای پیشنهادی در خصوص شبکه های اجتماعی و تأثیرات آن بر ایران عبارتند از:

- مسئولان و برنامه ریزان فرهنگی کشور سعی در ارائه ی برنامه های منسجم برای معرفی فرهنگ ملی در شبکه های اجتماعی داشته باشند تا به نوعی بتوان فرهنگ ایرانی را به عنوان یکی از فرهنگ های اثرگذار در عرصه ی جهانی به کاربران خارجی معرفی نمود.
- مسئولان و نظریه پردازان کشور تدابیری برای فرهنگ سازی جهت استفاده کاربران شبکه های اجتماعی مجازی به خصوص کاربران جوان، بیندیشند تا از این طریق بتوان فرهنگ ملی ایران را در بین کاربران ایرانی شبکه های اجتماعی تقویت کرد تا فرهنگ های جهانی را که همسو با فرهنگ بومی ما هستند، بپذیرند.
- ضروری به نظر می رسد که برنامه هایی جهت تقویت هویت اجتماعی شهروندان، اندیشیده شود تا از اثرپذیری های آنی از فرهنگ های جهانی که به خاطر عدم تطابق با فرهنگ بومی ممکن است مشکلاتی را به وجود آورند، اجتناب شود.
- دگرگونی گسترده فرهنگ، هویت فرهنگی و روش های جدید ساخته شدن هویت هاست که امروزه به مدد توسعه دانش و فناوری و با بهره گرفتن از اصول پیشرفته روان شناسی اجتماعی، به شیوه ای آرام و هژمونیک دنبال می شود.
- مهمترین راه برای در امان ماندن از آسیب های شبکه های اجتماعی، ارتقای سواد رسانه ای خانواده ها در مورد این فناوری می باشد. در واقع سواد رسانه ای مخاطب را هشیار می کند، سپس او با توجه از آگاهی، درک و مهارت کسب شده و با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های موجود تصمیم می گیرد که از این رسانه به چه میزان و با چه هدفی استفاده کند.
- اقداماتی از قبیل حمایت از پر و بال گرفتن شبکه های اجتماعی بومی مشروط بر این که این شبکه ها به صورت «سفارشی» توسط دولت ایجاد نشوند، می تواند به عنوان راه حلی برای این مسأله در نظر گرفته شود.
- با توجه به این اصل اساسی که تعاملات آنلاین هیچ گاه نباید جای روابط فیزیکی را بگیرد؛ شاید یک راه حل و پیشنهاد، این باشد که ابتدا فرد در محیط فیزیکی بر اساس نیازهای اجتماعی و فردی، محدوده روابط خود را مشخص نماید و شخصیت فرد مقابل را به خوبی بشناسد و سپس به ادامه روابط خود در فضای آنلاین و شبکه های اجتماعی بپردازد. روند ارائه امکانات جدید در اکثر شبکه های اجتماعی به سمت به دست آوردن اطلاعات بیشتر از کاربران است، لذا یکی از مزایای رعایت این اصل این است که با داشتن اعتماد و شناخت کافی به طرف مقابل در ارتباط فیزیکی ما قبل ارتباطات آنلاین، هیچ گاه کودکان و نوجوانان گرفتار سوء استفاده (آزار) سایبری نخواهند شد.
- پیشنهاد می شود که وزارت آموزش و پرورش با تغییر سیاست های آموزش خود، از حافظه محوری به سوی پژوهش محوری در سطوح مختلف و متناسب با دوره های آموزشی حرکت کنند و در استفاده از فناوری های روز به گونه ای دانش آموزان را درگیر استفاده کاربردی از اینترنت نماید که این نوع استفاده در وجود آنان نهادینه شده و فرصت تفکر در استفاده های نامطلوب از آنان گرفته شود.
- پیشنهاد می شود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به جای سرمایه گذاری و برنامه ریزی برای مسدود و محدود کردن میزان دسترسی به شبکه های اجتماعی، نسبت به صرف هزینه و برنامه ریزی در جهت تولید محتوای متناسب با فرهنگ و ارزش های غنی ایرانی و اسلامی و با مشارکت و درگیر نمودن کاربران در تولید چنین محتوایی ضمن اشاعه ی ارزش های والای دینی و ملی در تور جهان گستر فضای مجازی برنامه ریزی داشته باشد.
- پیشنهاد می شود نهاد دولت نیز واحد پژوهش و برنامه ریزی در حوزه رسانه های نوین، به ویژه شبکه های اجتماعی مجازی در سایر دستگاه های زیرمجموعه خود به منظور شناخت افکار عمومی و تأثیرگذاری مثبت بر آن را مورد توجه قرار دهد.

این رسانه ها سعی دارند از طریق فرایندی خزنده، نرم و غیر محسوس ابتدا در جوامع احساس نیاز و عطش ایجاد نموده و عناصر فرهنگی را به جامعه وارد کرده و سپس به مدد فناوری رسانه و شیوه های پیشرفته اقناع، نگرش افراد را تغییر دهند.

در این وضعیت جدید جهانی، یک فرهنگ و هویت جهانی و یکدست نیز به تدریج در حال شکل‌گیری است که به «تک‌فرهنگی شدن جهان» می‌انجامد.

در شرایطی که بیشتر کشورهای جهان از جمله ایران در شرایطی نابرابر عمدتاً مصرف‌کننده تولیدات عرضه شده در این فضا هستند، تحولات فرهنگی - اجتماعی متأثر از شبکه‌های اجتماعی در جوامع جهان سوم و جهان اسلام در صورتی که مدیریت نشود، به سوی تحقق مبانی معرفتی لیبرال دموکراسی و تضعیف ارزش‌های اسلامی و ملی در این کشورها جریان خواهد یافت. بدیهی است این روند ناعادلانه و نابرابر (در صورتی که تلاش‌های جدی برای تولید دانش بومی صورت نگیرد) در میان مدت و بلندمدت موجب تولید تضادها و تعارض‌های ارزشی، نگرشی و هویتی و قطب‌بندی بین عناصر اسلامی، ایرانی و غربی و در نهایت تضعیف نیروها، عناصر، نمادها، آیین‌ها، شعائر و مناسک بازنماینده ارزش‌های دینی و اعتقادی و مذهبی خواهد شد که در نهایت در کنش‌های اجتماعی و رفتاری و سبک زندگی شهروندان تجلی خواهد یافت.

## منابع

- جنکینز، ریچارد، ۱۳۹۱، هویت اجتماعی، ترجمه توج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
- اورت، ام. راجرز و شومیکر، فلویید، ۱۳۷۶، رسانش نوآوری‌ها: رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه عزت‌اله کرمی و ابوطالب فنایی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- احمدی، سیدعباس، ۱۳۸۴، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، تهران، اولین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- سلطانی فر، محمد، ططری، خدیجه، ۱۳۹۰، تبیین تأثیر فناوری‌های ارتباطی بر جریان‌های سیاسی و اقتصادی، مجله پژوهش فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صفحه ۱۵۹ تا ۱۸۴.
- مک کوایل، دنیس، ۱۳۸۰، مخاطب شناسی. ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۰، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علی‌قلیان و افشین خاکباز، چاپ دوم، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجتهدزاده، پیروز، عسکری، سهراب، ۱۳۸۴، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تهران، دانشگاه پیام نور.
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۹، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران، نشر نی.
- پرسکات، ۱۳۵۸، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر، تهران، دانشگاه تهران.
- ماندل، رابرت، ۱۳۷۷، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قاسمی، حاکم، ۱۳۷۲، برداشتهای متفاوت از امنیت ملی، فصلنامه سیاست دفاعی، سال اول، شماره دوم.
- روشندل، جلیل، ۱۳۷۴، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- خلقتی، مرضیه، ۱۳۸۷، بحران‌های هویت‌های مجازی در گمنامی چت، درس مدیریت بحران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گل محمدی، احمد، ۱۳۸۰، جهانی‌شدن فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹، روشنفکری ایرانی و معمای هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، پاییز سال دوم، شماره ۵۵.
- مجله پگاه حوزه، ۱۳۸۸، چالش فرهنگ و هویت در فضای مجازی، شماره ۲۶۱.
- فاضلی‌نیا، نفیسه، ۱۳۸۵، ژئوپلیتیک شیعه و مسئله‌ی امنیت ملی ایران، فصل‌نامه‌ی شیعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳.